



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.3, No2, 152-174.

A critical reflection on the culture oriented attitude towards Iranian temperaments¹

Sayed Naser Mousavi²

Enshaallah rahmati³

Mousa Malayeri⁴

Abstract

Today, in parallel with the growth of technology and the provision of relative well-being for human beings, we are witnessing the endangerment of the earth due to human improper exposure to it. As the environment is involved in an unintended crisis, a crisis that results from the inappropriate behavior of man towards nature. This crisis has caused concerns among thinkers for the continuation of human life and nature. Therefore, the suffering body of nature has hurt the heart of today's man and has made him think about the effects and consequences of life and his excessive interference in nature. Therefore, many people have sought to solve the environmental crisis, which is one of the proposed solutions of environmental ethics. The purpose of this article is to describe the environmental ethics in resolving the environmental crisis and critique it.

Keywords Political Culture, development, temperaments, culture, Ethics.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ . Received: 10/07/2024; Accepted: 15/08/2024; Printed: 05/09/2024

² PhD student in Islamic Philosophy and Theology, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Central Tehran Branch, Islamic Azad University of Tehran, Iran. mosavinaser83@yahoo.com

³ . Professor, Department of Philosophy, Religions and Mysticism, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). n.sophia1388@gmail.com

⁴ . Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. malayeri50@yahoo.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال سوم، شماره دوم (پیاپی دهم) تابستان ۱۴۰۳، ۱۵۲-۱۷۴.

تبیین بحران محیط زیست در ایران و بررسی و تفسیر راهکارها و سیاست‌گذاری حل آن با تأکید بر اخلاق محیط زیست^۱

سیدناصر موسوی^۲

انشاءالله رحمتی^۳

موسی ملایری^۴

چکیده

امروزه به موازات رشد تکنولوژی و تأمین رفاه نسبی جهت انسان، ما شاهد به خطر افتادن زمین بر اثر مواجهه نادرست انسان با آن هستیم به طوری که محیط زیست جهانی و به تبع آن طبیعت ایران درگیر بحرانی ناخواسته شده است؛ بحرانی که ماحصل رفتار نامناسب انسان، دولتمردان و حکامان در برابر طبیعت است. این بحران باعث ایجاد نگرانی‌هایی در بین اندیشمندان جهت ادامه حیات بشری و طبیعت شده، لذا تن رنجور طبیعت دل سنگ انسان امروزی را به درد آورده و او را وادار به اندیشه درباره آثار و پیامدهای زندگی و دخالت بیش از حد خود در طبیعت کرده است؛ بنابراین عده کثیری در پی حل بحران محیط زیست برآمده‌اند که یکی از راه‌حل‌های پیشنهادی، اخلاق محیط زیست است. هدف از این مقاله، توصیف اخلاق محیط زیست در زمینه حل بحران محیط زیست و نقد و بررسی آن است.

واژگان کلیدی: بحران، محیط زیست، اخلاق محیط زیست، انسان، طبیعت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۵؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۶/۱۵
۲. دانشجوی دکتری گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mosavinaser83@yahoo.com
۳. استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده
مسئول)
n.sophia1388@gmail.com
۴. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
malayeri50@yahoo.com

مقدمه

«هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها...»؛ او خدایی است که شما را از زمین (خاک) آفرید و برای عمارت و آباد ساختن آن شما را برگماشت (هود ۶۱).

خداوند انسان را مانند علف هرز نیافریده است، بلکه خلقت او هدفمند است؛ چراکه انسان را جانشین خود قرار داده تا به کمک عقل خود از منابع فراوان طبیعت، به بهترین وجه بهره‌مند شود، اما اسراف نکند. خداوند انسان را دعوت به تفکر در مورد طبیعت و شناخت رمز و راز آن کرده و از او خواسته تا به حفاظت از طبیعت و آبادانی زمین پردازد.

اما آیا این‌گونه عمل کرده است؟ آیا بشر امروزی سعی در عمران و آبادانی زمین داشته یا اصرار به تخریب آن داشته است؟ با رشد تکنولوژی، انسان مدعی است با عقل جزءنگر خود، توانایی شناخت عالم هستی را دارد، اما امروزه بشر متوجه مواجهه نادرست خود با زمین و به خطر افتادن آن شده است. هرچند ما شاهد آسایش و رفاه نسبی در زندگی روزمره خود به واسطه تکنولوژی و اختراع ماشین هستیم، اما نگرانی‌هایی هم جهت ادامه حیات بشری و طبیعت مشاهده می‌شود. آنچه امروزه از طبیعت و محیط زیست می‌بینیم، طبیعتی بیمار است که از شدت جراحات وارده، تنی رنجور دارد و به تعبیر سیدحسین نصر، بحران محیط زیست طبیعی، جلوه بیرونی بحران در روان آدمی است که چون از آسمان به خاطر زمین روی تافته، اکنون در آستانه تخریب خود زمین قرار گرفته است.

آنچه مهم است، این است که انسان امروزی نمی‌داند طبیعت با تمام مواهب آن اعم از جمادات، نباتات و حیوانات، به‌طور کامل در اختیار او نیست، بلکه به اندازه رفع نیازها و ضروریات زندگی خود، حق دخالت و استفاده از آن را دارد؛ بنابراین باید یک چارچوب فکری برای انسان امروزی تعریف شود تا در قالب آن چارچوب، حد و مرز خود را در مواجهه با طبیعت و مواهب آن بداند. هرچند امروزه، پیشرفت چشمگیر و روزافزون علم و فناوری، توانایی انسان را بر تسلط بر محیط زیست و طبیعت و تصرف در آن و بهره‌گیری حداکثری از آن، سهل و آسان کرده است. از طرف دیگر، نظام‌های فکری حاکم بر بیشتر جوامع بشری، پیرو یا متأثر از اندیشه سرمایه‌داری غرب‌اند؛ اندیشه‌ای که بنیان آن بر اصالت انسان، اصالت سود، اصالت لذت و اصالت آزادی استوار شده است؛ بنابراین برطبق موازین آن، انسان امروزی با تکیه بر عقل ناقص و جزئی‌نگر خود و درحالی‌که

دشمن خدای متعال شده است، به پشتوانه علم و فناوری هدایت نشده، خودش را در دستیابی به سود و لذت هرچه بیشتر، محق و رها می‌بیند و به تعبیر دقیق قرآن کریم: «اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغالبون»؛ آنها مانند چارپایانند بلکه گمراه‌ترند (اعراف ۱۷۹). از این رو، اگر بگوییم بحران محیط زیست، تماماً حاصل رفتار برخاسته از چنین اندیشه‌ای است، سخن بیهوده‌ای نگفته‌ایم. بحرانی که نشانه‌های آن را در ایران، در آلودگی هوای کلان‌شهرها، فرو نشست زمین، خشک‌سالی، کاهش شدید ذخایر آبی، گرم‌تر شدن هوا، خشک شدن دریاچه ارومیه و تالاب‌ها و ده‌ها نشانه دیگر می‌توان به وضوح دید. پس پر بیراه نیست اگر بگوییم ایران در دام محیط زیست گرفتار شده است. در کنار بحران محیط زیست، افزایش انواع بزهکاری‌های فردی و اجتماعی و از دست رفتن ارزش‌های والای الهی، معنوی و اخلاقی، ازدیاد انواع و اقسام بیماری‌های تنی، روانی و روان‌تنی در انسان امروزی را نیز می‌توان از پیامدهای چنین نگرشی دانست.

هرچند رفتار انسان، به‌ویژه در دو قرن اخیر، با طبیعت و محیط زیست، رفتار نامناسبی بوده است و در صورت تداوم این رفتار، به‌زودی شاهد از میان رفتن طبیعت و محیط زیست و در نتیجه نابودی انسان خواهیم بود، چراکه حیات و زندگی انسان بدون طبیعت ناممکن خواهد شد، اما در این بین از غفلت مسئولان و دولتمردان در نوع مواجهه و عدم برنامه‌ریزی درست و عدم التزام به اجرای فرامین و قوانین بالادستی که باعث تشدید این بحران ناخواسته شده است، نمی‌توان گذر کرد. بنابراین بحران محیط زیست و بیم از عواقب جبران‌ناپذیر آن، بالاخره دل سنگ انسان‌ها را به درد آورده و آنان را وادار کرده تا درباره آثار و پیامدهای زندگی در زمین، بیشتر بیندیشند. پس عده کثیری در پی حل آن برآمدند. در این مسیر، صدای بسیاری از مردم درآمده و جمعی از متخصصان و اندیشمندان نیز با آنها همراه شده‌اند. احزاب و گروه‌های طرفدار محیط زیست، قارچ‌گونه در همه جا روپیده و همه به فکر چاره‌اندیشی و حل این بحران خودساخته برآمده‌اند.

سیدحسین نصر، فیلسوف سنت‌گرای معاصر، یکی از اندیشمندانی است که به فکر حل بحران محیط زیست و راه‌حل آن برآمده است. ایشان قریب به نیم‌قرن است به احیای فلسفه اسلامی و کاربرد آن در حل مسائل انسان معاصر که بحران محیط زیست یکی از اساسی‌ترین این مسائل است، پرداخته است. سیدحسین نصر معتقد است طبیعت دارای شأن قدسی است؛ چراکه در تمام ادیان، دارای ارزش بوده است. وی انسان متجدد امروز را به خاطر هتک حرمت طبیعت و نادیده انگاشتن مقام قدسی آن و اینکه طبیعت را قربانی اهداف مادی خود کرده، مورد

انتقاد شدید قرار داده است (نصر، ۱۳۸۹، ۵۴۰-۵۴۴).

نصر، بحران محیط زیست را تجلی بیرونی بحران درونی انسان متجدد دانسته و در نقد تکنولوژی که برخاسته از علم جدید است، معتقد است آنچه امروزه از تکنولوژی شاهد هستیم، این است که بشریت را با خطر جدی و عظیم انهدام تدریجی محیط زیست مواجه کرده است. ماهیت این تکنولوژی به گونه‌ای است که مردان و زنان را از انسان بودن خارج کرده و آنها را به امتداد ماشین مبدل کرده است؛ به طوری که اگر مورد مراقبت و کنترل قرار نگیرند، به انهدام کل شبکه طبیعت منجر خواهد شد (نصر، ۱۳۷۵، ۲۷۹). بنابراین سیدحسین نصر برای حل این معضل عظیم و راه برون‌رفت از بحران محیط زیست و طبیعت، اعتقاد دارد که انسان در ابتدای امر می‌بایست به قدسی بودن خود پی برد تا بتواند گامی دوباره برای کشف قداست طبیعت بردارد. از منظر ایشان مادامی که آدمی نتواند تقدس را در خود احیا کند، نمی‌تواند گامی اساسی در جهت حل بحران محیط زیست بردارد و نمی‌توان با یک برنامه‌ریزی سطحی اجتماعی یا تحول صنعتی جزئی، مشکل طبیعت را التیام داد. لذا از دیدگاه ایشان آنچه ضروری است، این است که اولاً طبیعت را به عنوان یک حقیقت قدسی دوباره کشف کنیم و ثانیاً این را باید بدانیم که امروزه انسانی مورد نیاز است که حافظ و نگهبان قداست طبیعت باشد. نتیجه آنکه سیدحسین نصر معتقد است تنها راه حل بحران محیط زیست، آن است که راهی که در قداست‌زدایی از طبیعت طی شده، دوباره به روش معکوس طی شود؛ به عبارت دیگر باید تعالیم سنتی و مابعدالطبیعی در باب تقدس طبیعت احیا شوند. نصر احیای نگرش قدسی به طبیعت را تنها از زاویه دین ممکن می‌داند و معتقد است در این مقطع از تاریخ بشری، حل این بحران مستلزم تجمع تمام ادیان جهان و ارائه راه حل دینی در سطح اخلاقی و فکری است (نصر، ۱۳۸۹، ۵۴۳).

به طور کلی، راه‌حلهایی که امروزه برای حل بحران محیط زیست ارائه شده، عبارت‌اند از: ۱. مهندسی محیط زیست، ۲. اخلاق محیط زیست، ۳. فلسفه محیط زیست، ۴. الهیات محیط زیست و ۵. حکمت محیط زیست.

در این مقاله سعی بر آن شده تا به تحلیل و بررسی یکی از این راه‌حل‌ها که اخلاق محیط زیست است، پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با مسئله بحران محیط زیست، چرایی و راه‌حل‌های آن، آثار مکتوب فراوانی به رشته تحریر درآمده است که از این میان می‌توان به مقاله «اخلاق زیست‌محیطی در متون مقدس ابراهیمی» (سلیمانی ۱۴۰۱، ۷-۳۰) اشاره کرد. مقاله در مورد بررسی نقشی است که بسیاری در غرب معتقدند تعالیم ادیان ابراهیمی در مسئله بحران محیط زیست داشته‌اند و بر این اساس که این ادیان بر مبنای تعالیم خود، انسان را مالک بی‌چون‌وچرای طبیعت دانسته و به خود اجازه می‌دهد هرطور که بخواهد رفتار کند، نگارنده مقاله در پی رد این نقش و همچنین نقش متون اسلامی است. یا مقاله «نگرشی بر دیدگاه‌های اخلاق محیط‌زیستی در تئوری‌های اخلاقی و تبیین اصول آن در معماری و شهرسازی ایران» (پرتوی و رادجهانیان، ۱۴۰۲، ۶-۱۵) که نویسندگان نقش اخلاق در محیط زیست و به تبع آن شناسایی ارزش‌های حاکم بر معماری و شهرسازی ایران در گذشته و مقایسه آن با معماری کنونی را مدنظر داشته‌اند و به ارائه راه‌حل در بازگشت ارزش‌ها به محیط زیست و نوع معماری پرداخته‌اند. مقاله مراقبت زنانه و ملاحظات زیست‌محیطی در شعر «دلم برای باغچه می‌سوزد» (پارساپور، ۱۴۰۲، ۵۷-۷۶) که به بررسی نظریه اکوفمنیسم و تبیین دغدغه‌های جنسیتی و زیست‌محیطی که از نظر نگارنده هر دو مورد سلطه قرار گرفته‌اند، پرداخته و راهکارهای برون‌رفت از این سلطه را مورد کاوش قرار داده است.

مقاله «ارزیابی نظریه احترام به طبیعت در اخلاق محیط زیست» (بهرروزی و فنایی، ۱۳۹۸، ۱۴۱-۱۲۱) که نویسندگان نقش کلیدی اخلاق محیط زیست را از منظر نظری و عملی مورد واکاوی قرار داده و به بررسی اشکالات آن پرداخته‌اند.

اما دکتر سیدحسین نصر، فیلسوف سنت‌گرای معاصر، قریب به نیم‌قرن است که به احیای فلسفه اسلامی و کاربرد آن در حل مسائل انسان معاصر که بحران محیط زیست یکی از آنهاست، می‌پردازد. نصر در کتاب «دین و نظم طبیعت» (نصر، ۱۳۸۵) دیدگاه خود را در مورد طبیعت بیان کرده و با مقایسه بین نظریات ادیان مختلف در مورد طبیعت، یک نظر جهانی درخصوص رابطه بین دین و نظام طبیعت را ارائه داده است.

سیدحسین نصر از اولین متفکران ایرانی و شاید جهانی است که پس از تشدید بحران‌های محیط‌زیستی، با نگارش کتاب «انسان و طبیعت» به تبیین این بحران و

زنگ خطر پیش‌روی انسان متجدد و مدرن روی آورده و به نقش اساسی انسان امروزی و متجدد در ایجاد بحران طبیعت اشاره کرده و توجه جهانیان را به بحران در پیش رو فراخوانده است.

از دیگر آثار نصر در زمینه اخلاق و محیط زیست می‌توان به کتاب‌های «معرفت و معنویت» (نصر، ۱۳۸۸)، «نیاز به علم مقدس» (نصر، ۱۳۸۸)، «آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام» (نصر، ۱۳۸۲)، «معارف اسلامی در جهان معاصر» (نصر، ۱۳۸۹)، «نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت» (نصر، ۱۳۵۹) و «جوان مسلمان و دنیای متجدد» (نصر، ۱۳۷۶) اشاره کرد که در آنها به نوعی به بحران محیط زیست، نقش بشر امروزی، مدرنیته و راه‌حل برون‌رفت از آن پرداخته است.

چارچوب نظری تحقیق

یکی از مشکلات اساسی اخلاق خصوصاً در حوزه محیط زیست، انسان‌محوری بودن آن و پرداختن بیش از حد و انحصاری به انسان و غفلت از سایر موجودات است. اخلاق معتقد است اخلاق برای انسان است و نه انسان برای اخلاق و غایت اخلاق، رسیدن انسان به زندگی بهتر است و هر چیزی را برای انسان خواستن.

به‌طور کلی نظام‌های اخلاقی موجود بر سه قسم هستند:

الف. نظریه خودگرایانه، ب. نظریه فایده‌گرایانه (جان استوارت میل) و ج. نظریه وظیفه‌گرایانه (کانت).

هر سه قسم این نظامات اخلاقی، مشترک در غایت اخلاق هستند که به انسان ختم می‌شود.

الف. نظریه خودگرایان: مبنا بر خیر هر فرد است؛ به‌طوری که فرد فرد افراد جامعه، هدف هستند. هرچند در این نظریه انسان‌ها به عنوان هدف اصلی در نظر گرفته نشده‌اند، اما باز هم به انسان برمی‌گردد؛ چراکه هر فردی از افراد جامعه یک انسان است.

ب. نظریه فایده‌گرایان: اینها معتقدند ما باید کاری کنیم تا بیشترین سعادت برای بیشترین انسان‌ها باشد؛ یعنی هدف، فراهم کردن سازوکاری جهت نیل

انسان‌ها به بیشترین رفاه و لذت است.

ج. نظریه وظیفه‌گرایان: افرادی همچون کانت بر این باورند که اخلاق مملکت‌گایات است و در این مملکت، آن چیزی که حرمت دارد، کرامت انسان‌هاست؛ پس باید طوری عمل کنیم که انسان‌ها با دغدغه کمتر به رفاه بیشتری دست یابند.

هرچند به نظر می‌رسد پایه‌گذاران این نظامات اخلاقی، اندیشمندان غربی بوده‌اند، اما آثار و عواقب آن را می‌توان در برخی از تصمیمات و عملکرد مسئولان و دولتمردان ایران مشاهده کرد. برای مثال، درحالی که بخش عمده‌ای از مناطق شمالی تهران روی نوار زلزله واقع شده‌اند، اما شهرداری اقدام به صدور مجوز ساخت بنا در این مناطق کرده است. ساختمان‌هایی که در ظاهر در جهت رفاه و آسایش شهروندان ساخته می‌شوند، اما هیچ توجهی به آثار خسارت‌بار آن نشده است. یا افزایش آلودگی کلان‌شهرهایی مانند تهران، اصفهان و اراک که ماحصل کارخانجات و صنایعی هستند که بدون مکان‌یابی مناسب، شبانه‌روز در حال تولید ماشین و رفاه هستند. یا جنگل‌های شمالی ایران و شالیزارهایی که به طمع سود بیشتر، عموماً با مجوزهای قانونی تبدیل به ویلا و ساختمان شده‌اند. بنزین‌هایی که طبق اعلام سازمان حفاظت محیط زیست ایران، ۶۲ درصد آن غیراستاندارد است، هرچند چرخ ماشین‌های مردم را می‌چرخاند اما در عوض دود و آلودگی ناشی از مصرف بی‌رویه آن، باعث امراض مختلف و مرگ‌ومیر فراوان شده است و اقدام مؤثری در جهت بهبود کیفیت و استانداردسازی آن نمی‌شود. یا آمار فزاینده تولید خودروهای بی‌کیفیت و پرمصرفی که توسط خودروسازان دولتی تولید و روانه بازار می‌شود؛ به طوری که آمار فزاینده تصادفات و تلفات ناشی از استفاده از آنها بیانگر چیرگی و غلبه بحران‌زایی آنها بر رفاه نسبی آنهاست. اینها مثال‌هایی از مشتم نمونه خروار است که در وهله اول مسئولان در جهت ایجاد و افزایش رفاه زندگی جامعه انجام داده‌اند، اما جز بحران و تشدید آن در محیط زیست، ثمره چندانی نداشته‌اند.

بر اساس نظریات فوق می‌بایست همواره ملاحظه انسان را بکنیم که نص صریح اخلاق است و چنانچه ملاحظه سایر موجودات به عمل آید، آن‌هم به خود انسان برمی‌گردد. به عنوان مثال در اخلاق، به طبیعت بسیار پرداخته شده است که آن‌هم به جهت خدمت به انسان است؛ چراکه گاهی از جنبه اقتصادی و بهره‌برداری مادی به طبیعت پرداخته می‌شود و گاهی هم از جنبه زیباشناسانه که این یک لذت ناب است و آدمی بدون رنج به آن دست می‌یابد. بنابراین پرداختن به طبیعت، چه از نظر مادی و چه از نظر زیباشناسانه، انسان‌محورانه و در جهت رفاه و آسایش او

است. با توجه به استمرار بحران محیط زیست و وخامت حال طبیعت، چنین به نظر می‌آید که راه‌حل‌های ارائه‌شده در حل این مسئله توفیق چندانی نداشته‌اند که اخلاق محیط زیست نیز چنین ناموفق بوده است.

از طرفی در پاسخ به چرایی عدم موفقیت اخلاق محیط زیست، می‌توان دلایل آن را از دو منظر بررسی کرد:

الف. از جهتی که اخلاق ناظر به انسان‌هاست و ب. از جهتی که اخلاق ناظر بر غیر انسان‌هاست.

بنابراین وقتی صحبت از جنبه انسان‌محورانه بودن اخلاق می‌شود، اشکالاتی بر آن وارد است که برخی از آنها در زیر تبیین می‌شود:

۱. وقتی در اخلاق صحبت از انسان می‌شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سخن، ناظر بر نژاد سفید انسان است و سایر نژادها مغفول مانده‌اند یا اینکه بحث از انسان در اخلاق، ناظر بر مردان است و به زنان هیچ اشاره‌ای نشده است و این در حالی است که آدمی از نژادهای مختلف با آداب و رسوم و رنگ پوست و زبان و از زنان و مردان تشکیل شده و هرکدام از اینها نقش اساسی در طبیعت داشته و خواهند داشت.

۲. جهت‌گیری بحث‌های اخلاقی چنین القا می‌کند که مشکلات زیست‌محیطی عموماً زاینده نوع زندگی فقر است؛ چراکه بیشتر مشکلات طبیعت را در حاشیه شهرها مشاهده می‌کنیم که محل زندگی فقر است. بنابراین انسان هرچه فقیرتر باشد مشکلات زیست‌محیطی‌اش نیز بیشتر خواهد بود و به طبیعت آسیب بیشتری خواهد رساند. درحالی‌که اغنیا و ثروتمندان با نوع زندگی خود، آسیب کمتری به طبیعت وارد می‌کنند. برای مثال آنها از خودروهای غیرآلاینده، مواد غذایی سالم و بهداشتی‌تری برخوردارند که نتیجه اینها آسیب کمتر به طبیعت است. بنابراین بیشتر راه‌حل‌های پیشنهادی‌اش دارای هزینه بوده و از عهده فقرا بر نمی‌آید.

۳. انسان مورد تأکید در اخلاق، انسان امروزی است و ظاهراً توجهی به انسان نسل‌های آینده نشده؛ درحالی‌که ما ملزم به رعایت عدالت بین نسلی هستیم، به طوری که آیندگان هم باید در برنامه‌ریزی‌های امروزه ما مورد توجه باشند. ما در اخلاق نیاز به تخیل اخلاقی داریم تا بتوانیم خود را جای دیگرانی قرار دهیم که

انسان‌های امروزی نیستند، بلکه فرزندان، نوه‌ها، نتیجه‌ها و نبره‌های ما هستند.

بنابراین در نقد اخلاق محیط زیست، نظر فلاسفه بر فاصله‌گیری از انسان‌محوری اخلاق و جایگزینی نظرات جدید به نظریات موجود است که در این زمینه دو موضع وجود دارد:

۱. دیدگاه تعمیم‌گرایی اخلاقی یا تعمیم‌گرایی زیست‌محیطی و ۲. دیدگاه کل‌گرایی زیست‌محیطی.

کسانی که اخلاق مدرن را نقد می‌کنند و می‌گویند مبنای آن انسان‌محوری است که طبق آن ما باید حق و حقوق فقط انسان‌ها را رعایت کنیم و وظیفه‌ای نسبت به رعایت اخلاق سایر موجودات، جمادات و نباتات نداریم؛ پس باید از انسان‌محوری فاصله بگیریم که در این راستا دو دیدگاه تعمیم‌گرایی اخلاقی و کل‌گرایی اخلاقی را مطرح کرده‌اند.

در تعمیم‌گرایی اخلاقی باید دایره اخلاق را از انسان صرف به غیر انسان نیز تعمیم دهیم؛ به طوری که شامل غیر انسان‌ها نیز بشود. حال سؤال این است که منظور از غیر انسان چیست؟ برخی از اندیشمندان، منظور از غیر انسان را حیوان تلقی کرده‌اند و برخی دیگر هم معتقدند تعمیم اخلاق به غیر انسان باید شامل نباتات و حتی جمادات هم بشود که در این صورت باید برای هر کدام یک نظریه فلسفی داشته باشیم تا بتواند ثابت کند کدام یک از اینها دارای ارزش ذاتی هستند.

اما کل‌گرایی اخلاقی می‌گوید جهان ما یک کل است که در آن هیچ موجودی نسبت به دیگری برتری ندارد.

به دو دلیل نمی‌توان انسان را در این زمینه نادیده گرفت؛ اول اینکه انسان، این بحران زیست‌محیطی را به وجود آورده و ایجاد بحران توسط سایر موجودات ممکن نیست و این نشان می‌دهد که انسان تمایز و جایگاه متفاوتی نسبت به سایر موجودات دارد البته این تفاوت لزوماً ارزشی نیست و فقط نشان‌دهنده آن است که موجود ویژه‌ای در عالم است.

دلیل دیگر اینکه حل بحران محیط زیست را از انسان مطالبه می‌کنیم و نمی‌توانیم از غیر انسان آن را طلب کنیم، حتی از طبیعت هم نمی‌توان طلب کرد؛

پس انسان در این زمینه جایگاه ویژه‌ای دارد. کسانی هم که از انسان‌محوری فاصله گرفته و قائل به رعایت اخلاق سایر موجودات خصوصاً حیوانات هستند، دو نظریه را مطرح کرده‌اند: ۱. معتقدان به بهروزی حیوانات و ۲. معتقدان به حقوق حیوانات.

در اینکه ما باید شأن حیوانات را رعایت کنیم، هر دو نظریه اشتراک دارند.

کسانی که صحبت از بهروزی حیوانات می‌کنند، اعتقادی به حقوق حیوانات ندارند. بهروزی حیوانات به این معناست که ما حق نداریم غیر از مواقع ضروری، حق حیات را از حیوانات بگیریم. ضمن آنکه باید شرایط زندگی مساعدی را برای حیوانات فراهم کنیم و طوری با آنها رفتار کنیم که در جهان ما سعادتمند باشند.

اگرچه طبق این نظریه، حیوانات حق و حقوق ندارند، اما جایگاه‌شان به طوری است که ما باید بهروزی آنها را تأمین کنیم. رفتار ما با حیوانات باید به گونه‌ای باشد که به بهروزی آنها آسیبی نرسد و به عبارتی ما در استفاده از آنها حق اسراف نداریم. هرچند برخی از آسیب‌ها به حیوانات گریزناپذیرند.

اما معتقدان به حقوق حیوانات بر این باورند که ما نمی‌توانیم حق حیات را از حیوانات بگیریم و اساساً حیوانات دارای حق و حقوق هستند. وقتی ما چیزی یا کسی را دارای حق می‌دانیم، به این معناست که نباید بدون هیچ دلیلی، آسیبی به آنها وارد کنیم. طرفداران این نظریه حتی معتقدند حق استفاده از حیوانات به عنوان غذا یا موارد دیگر را نیز نداریم.

البته موضوع حیوانات و نقش و جایگاه آنان و نسبت‌شان با انسان، نیاز به بررسی و مطالعه بیشتری دارد که خارج از موضوع این نوشتار است.

سیدحسین نصر متولد ۱۳۱۲ هجری شمسی در تهران، فیلسوف سنت‌گرای ایرانی و هم‌اکنون استاد علوم اسلامی در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا و صاحب مقالات و کتب دانشگاهی فراوانی است. ایشان در زمره سنت‌گرایان فیلسوفی است که در پی نقد ارزش‌های جهان مدرن برآمده، آن را به چالش کشیده و در این بین به واکاوی بحران محیط زیست و علل آن و ارائه راه‌حل نیز پرداخته است.

به اعتقاد ایشان، تنها روش حل بحران محیط زیست، آن است که راهی که در

قداست‌زدایی از طبیعت و معرفت طی شده، به روش معکوس طی شود؛ به این معنا که فرایندی که به سکولارشدن و انحصارطلبی علم منتهی شد، وارونه شود و تعالیم سنتی و مابعدالطبیعی در باب تقدس طبیعت احیا شود (نصر، ۱۳۸۶، ۲۰۷). به نظر می‌رسد نقش مهندسی محیط زیست در دنیای امروز برای حل بحران به مراتب بیش از آن چیزی است که نصر به آن باور دارد. البته این اذعان به جهت علم‌زدگی و علم‌گرایی نیست، بلکه با مشاهده واقعیات عینی می‌توان به این نتیجه رسید. البته به لحاظ رتبی الهیات محیط زیست بر مهندسی محیط زیست مقدم است. وی درباره تخریب محیط زیست اشاره می‌کند که امروزه نتایج و آثار منفی صنعتی‌شدن بر روی محیط زیست و به‌خصوص بر زندگی دینی و بافت جامعه که موجد نابسامانی‌های فرهنگی و روانی و نیز بی‌قراری آدم‌ها بوده، کاملاً ظاهر شده است (نصر، ۱۳۷۵، ۱۸۴). طبیعت که در باورهای دینی دارای ارزش و اعتبار بوده است، در دنیای متجدد رو به ویرانی رفته تا اهداف انسان مادی و نیازهای وی تأمین شود. نصر معتقد است در نگرش دینی و الهی برای طبیعت در نظام کیهانی تدابیر خاصی وجود دارد. انسان متجدد با پیشرفت علم و کشف فناوری و تکنولوژی‌های جدید که بر طبیعت سيطرة پیدا کرده، روح قدسی و الهی خود را از دست داده و حقیقتاً فراموش کرده که کیست و تنها وظیفه خود را کسب قدرت و سيطرة بر طبیعت دانسته است. لذا باید عنوان کرد که یکی از ویژگی‌های علم جدید که آن را به‌طور واضح از علوم اسلامی و سنتی متمایز کرده، این است که هدف این علم قدرت و غلبه بر طبیعت است. از منظر نصر، طبیعت دارای شأن قدسی است. وی معتقد است طبیعت در تمام ادیان دارای ارزش بوده است. نصر انسان متجدد امروز را به خاطر هتک حرمت طبیعت و نادیده‌گرفتن مقام قدسی آن و اینکه طبیعت را قربانی اهداف مادی خود کرده، مورد انتقاد شدید قرار داده است (نصر، ۱۳۸۹، ۵۴۴-۵۴۵)، نصر بحران محیط زیست را تجلی بیرونی بحران درونی انسان متجدد دانسته و در نقد تکنولوژی که برخاسته از علم جدید است، معتقد است این تکنولوژی روی هم رفته بشریت را با خطر جدی و عظیم انهدام تدریجی محیط زیست مواجه کرده است. ماهیت این تکنولوژی که مردان و زنان را از حالت آدمی خارج کرده و ایشان را به امتداد ماشین تبدیل کرده و اگر مورد مراقبت و کنترل قرار نگیرند به انهدام کل شبکه طبیعت منجر خواهد شد (نصر، ۱۳۷۵، ۲۷۹). نصر برای حل این معضل و راه برون‌رفت از بحران محیط زیست و طبیعت اعتقاد دارد که انسان اول باید به قدسی‌بودن خود پی ببرد تا بتواند گامی دوباره برای کشف قداست طبیعت بردارد. از نگاه نصر تا زمانی که انسان این امر قدسی‌بودن را در خود احیا نکند، نمی‌تواند برای درمان مشکل بحران طبیعت گامی اساسی بردارد. با

یک برنامه‌ریزی سطحی اجتماعی یا تحول صنعتی جزئی نمی‌توان زمین را التیام داد. لذا از نظر نصر آنچه مورد نیاز است، این است که اولاً طبیعت را به عنوان یک حقیقت قدسی دوباره کشف کنیم. ثانياً به تولد مجدد انسان برای نگرهبانی از قداست طبیعت نیاز است. وی همچنین احیای نگرشی قدسی به طبیعت را تنها از زاویه دین ممکن می‌داند و معتقد است در این مقطع تاریخ بشر حل این بحران مستلزم تجمع تمام ادیان و ارائه راه‌حل دینی در سطح اخلاقی و فکری است (نصر، ۱۳۸۹، ۵۴۳).

یافته‌های تحقیق

بحران محیط زیست و علل آن

امروزه جوامع بشری با بحران عظیمی به نام بحران محیط زیست مواجه‌اند که ماحصل نوع رابطه انسان با محیط پیرامونی خودش بر اثر توسعه‌یافتگی و تلاش برای زندگی بهتر بوده است. تلاش‌هایی که هرچند به ظاهر رفاه و آسایش را به ارمغان آورده، اما عواقب زیان‌بار آن با منفعت آن در تضاد است. بحران محیط زیست را به وضوح در آلودگی طبیعت، شامل آلودگی آب‌ها، کاهش کیفیت هوا، گرم‌شدن زمین و کاهش ضخامت لایه ازن می‌بینیم یا جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی که منجر به جاری‌شدن سیلاب‌ها، رانش زمین، خشک‌سالی‌ها، نشست زمین و گسترش بیابان در بسیاری از مناطق شده و اغلب به علت عدم استفاده صحیح انسان از طبیعت است. به جرئت می‌توان اعمال تجاوزکارانه و بی‌شرمانه انسان مدرن امروزی بر ضد طبیعت را عامل اصلی این بحران دانست؛ اقداماتی نظیر نشت‌های نفتی عمده در دریاها و اقیانوس‌ها یا آتش‌سوزی جنگل‌ها یا تخریب طبیعت به دست انسان و فناوری مخرب او.

برای بشریتی که به واسطه میل خود به فرایندهای تجددخواهی به ظواهر روی کرده، پی‌بردن به این حقیقت که آن بلا و مصیبتی که بر سر محیط زیست فرود آمده، در حقیقت جلوه بیرونی فقر شدید حالت نفسانی و درونی آن بشریتی است که اعمال او باعث و بانی بحران زیست‌بومی است، کار چندان آسانی نیست. در نتیجه گرمای طاقت‌فرسای تابستان، خشک‌سالی و فک‌های در حال احتضار به ناچار به یاد ما می‌آورند که در این سرای خاکی‌ای که انسان متجدد به خاطر آن دست از طلب بهشت برداشت و اکنون نیز با درنده‌خویی بی‌سابقه‌ای آن را به تخریب می‌کشاند، همه چیز بر وفق مراد نیست (نصر، ۱۳۷۷، ۲۰۸).

بنابراین اغلب کسانی که درگیر موضوعات مربوط به محیط زیست هستند، به علت فقدان بُعد معنویت، در وهله اول در مواجهه با بحران محیط زیست و حل آن، مهندسی محیط زیست را مطرح می‌کنند و مدعی‌اند به‌طور مثال چنانچه ما نوع سوخت و وسایل حمل‌ونقل را از سوخت‌های فسیلی تغییر دهیم، توانسته‌ایم گام بزرگی در مسیر حل این بحران و عوارض زیان‌بار آن برداریم. در مقابل، عده‌ای هم می‌پرسند که چرا انسان مدرن امروزی تا این حد احساس نیاز به مسافرت دارد؟ چرا منزل و مأوای بیشتر انسان‌ها این قدر نفرت‌انگیز و ملال‌انگیز شده است، به‌طوری که نوع انسان که علت اصلی این بحران است، ناگزیر شده تا از مناطقی که به دست خودش آلوده و تخریب شده‌اند، به مناطقی که هنوز سالم مانده‌اند فرار کند و آن اماکن را نیز به ورطه آلودگی بکشانند؟ چرا انسان ناخودآگاه باید در دام مصرف‌گرایی حداکثری بیفتد و نیازهایش را از جنبه ظاهری و مادی اشباع کند؟

امروزه اغلب کسانی که دغدغه محیط زیست را دارند، مخالف و منکر نقش ابزار خردمندانه و جایگزینی اشکال مختلف فناوری در بسیاری از عوامل مؤثر در تخریب محیط زیست نیستند، اما معتقدند این اقدامات عظیم علمی و مهندسی به تنهایی حلال مشکلات نخواهند بود، پس باید در پی پاسخ‌گویی به پرسشی در مورد عدم کارایی علوم و مورد توجه قراردادن بعد معنوی و ریشه‌های تاریخی بحران محیط زیست که تا به امروز بسیاری از آن غافل بوده‌اند، بود. یکی از علل عمده عدم پذیرش بعد معنوی بحران محیط زیست، وجود و پایداری آن علم‌زدگی‌ای است که بر روال گذشته، علم نوین را نه به عنوان نحوه خاصی از شناخت طبیعت، بلکه به عنوان فلسفه‌ای کامل و تمامیت‌خواه معرفی می‌کند که کل عالم هستی را به قلمرو مادی ارجاع داده و بر آن نیست که تحت هیچ شرایطی امکان وجود جهان‌بینی‌های غیرعلم‌پرستانه را بپذیرد.

جهان‌بینی‌هایی برگرفته از آموزه‌های سنتی که نه تنها مشروعیت علوم نوین را که به بعد مادی عالم واقع پرداخته‌اند، منکر نبوده‌اند، بلکه از آن شبکه ارتباطی آگاه هستند که طبیعت مادی را به عالم معنا و وجه ظاهری اشیا را به واقعیت باطنی‌ای پیوند می‌دهد که اشیا هم آن را محجوب می‌دارند و مکشوف می‌سازند.

درحالی‌که علم‌زدگی، علم غربی را در اکثر موارد از روی آوردن به علل درونی‌تر بحران محیط زیست باز داشته است، در این میان بسیاری از دانشمندان و حتی معدودی از الهی‌دانان، علت اصلی این بحران را پیشرفت‌ها و تحولات حاصل‌شده در تمدن غرب که از اواخر قرون وسطی، رنسانس و قرن هفدهم آغاز شده

نمی‌دانند، بلکه مسئولیت آن را بر دوش سنت توحیدی نهاده‌اند و این در حالی است که این متفکران از یاد برده‌اند که توحید ناب اسلام که برگرفته از همان سنت ابراهیمیان است و یهودیت و مسیحیت نیز به آن تعلق دارند، هرگز از قداست طبیعت غافل نبوده و این امر به تکرار در قرآن کریم مشهود است و همچنین یهودیت و مسیحیت نیز هرگز نگرش چپاول‌گرانه و سلطه‌گر صرف به طبیعت نداشته‌اند.

با این رویکرد، انسان متجدد همچنان از یافتن علت واقعی و اصلی این بحران سر باز می‌زند و همچنان با بحران بی‌سابقه‌ای که ساخته و پرداخته خود او است و زمین را تهدید می‌کند، روبه‌رو است.

راه حل ارائه‌شده: اخلاق محیط زیست

حال با توجه به اینکه بحران محیط زیست یکی از چالش‌های بزرگ زندگی بشر امروزی است، تعریف و به‌کارگیری اخلاق محیط زیست اجتناب‌ناپذیر بوده و به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی در زمینه حل بحران محیط زیست تدوین شده است.

اخلاق زیست‌محیطی یکی از گرایش‌های مهم در فلسفه کاربردی است که امروزه مورد توجه و استفاده بسیاری از ملت‌ها قرار گرفته است. اخلاق زیست‌محیطی به مفاهیم ارزش، گرایش و باورها پرداخته و درصدد است که راهکارهای اخلاقی متعددی را برای مشکلات زیست‌محیطی جوامع ارائه دهد و از این راه، ارتباط نزدیکی میان دانش و علوم گوناگون با گرایش‌های اجتماع‌های انسانی برقرار کند. اخلاق زیست‌محیطی با دغدغه‌های جهانی مانند رابطه انسان با محیط زیست، درک انسان نسبت به مسئولیت در برابر محیط زیست و تعهد به حفظ منابع برای نسل‌های آتی سروکار دارد. این در حالی است که آلودگی زیست‌محیطی، استفاده از منابع زمین، تولید و توزیع غذا، تولید و مصرف انرژی، صیانت از حیات وحش و تنوع گونه‌ای نیز در گستره و حوزه اخلاق زیست‌محیطی جای دارند (عابدی‌سروستانی، ۱۳۸۷، ۵۷).

طبق اصل ۵۰ قانون اساسی که عنوان می‌کند «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند،

ممنوع است.» این اصل که بر پایه اخلاق بنا شده است، در پی اصلاح رفتار انسان‌ها با وظیفه انگاشتن حفاظت از محیط زیست جهت حفظ طبیعت و پیشگیری از آسیب‌های آتی آن برآمده است. از طرف دیگر، اخلاق زیست‌محیطی خدامحوری به‌طور ذاتی ارزشمند است؛ زیرا تمامی مخلوقات زنده و غیرزنده، مخلوق خداوند هستند و به همین دلیل دارای ارزش و شایسته توجهات اخلاقی‌اند. پی‌بردن به صفات و دستورات الهی برای ارتباط با زیست‌بوم ضرورت دارد؛ زیرا محیط زیست انسان ذات خداوند است و انسان همواره در محیط الهی غوطه‌ور است، اما ممکن است خودش از این موضوع آگاه نباشد. برای همین است که بحران‌های زیست‌محیطی به وجود آمده‌اند که انسان از قبول خداوند به عنوان خالق محیط زیست حقیقی تمرد می‌کند و محیط زیست خود را جدا و مستقل از خداوند می‌داند (عابدی‌سروستانی، ۱۳۸۷، ۵۷).

نظریات اخلاقی و به تبع آن اخلاق محیط زیست برگرفته از نوع جهان‌بینی هستند و نوع نگاه به طبیعت و انسان، پایه‌گذار طراحی و تدوین نظریه اخلاقی است. بشر امروزی با سؤالات بنیادی و مهمی روبه‌رو شده است؛ سؤالاتی از قبیل اینکه آیا هستی خالقی دارد؟ آیا هستی، هدف و غایتی هم دارد؟ آیا هستی محدود به امور مادی است یا اینکه امور غیرمادی نیز در آن وجود دارند؟ آیا طبیعت دارای ارزش است؟ رابطه انسان و طبیعت چگونه است؟ کدام‌یک بر دیگری حق دارد؟ آیا انسان کمال‌پذیر است و در این صورت، کمال آدمی چیست؟ آیا ما جهان دیگری را نیز تجربه خواهیم کرد؟ و...

پاسخ به این پرسش‌ها حاکی از نوع جهان‌بینی انسان است.

در یک تقسیم‌بندی ساده، می‌توان دو نوع جهان‌بینی را از هم بازشناخت:

الف. جهان‌بینی مادی و ب. جهان‌بینی الهی.

پاسخ جهان‌بینی مادی به پرسش‌های مطروحه به این شرح است: هستی بر اثر تصادف و بدون هیچ هدف، طرح، تدبیر و خالقی پدیدآمده و همه موجودات عناصری مادی، محدود و فناپذیر، فاقد ارزش و قداست هستند. انسان نیز که چیزی جز جسم نیست، اگر کمالی داشته باشد، در همین بعد جسمانی است و از این نظر، تفاوتی با سایر حیوانات ندارد. انسان مدتی در این جهان به سر برده و با مرگ نابود می‌شود. در نتیجه در مدت کوتاه زندگی‌اش، باید از طبیعت بهره و لذت

ببرد و در این زمینه هیچ محدودیتی ندارد جز آنچه برای کامجویی اش زیان بار باشد.

اما پاسخ جهان بینی الهی را می توان در ادیان الهی جست و جو کرد که تأثیر این نوع جهان بینی در ایران هم مشهود است؛ چراکه دین رسمی ایران، اسلام است و مردم جامعه ما مقید به دین اسلام هستند؛ دینی که در مورد همه مسائل، فرامین و رهنمودهای خاص خود را دارد و همواره اهمیت خاصی به عمران و آبادانی محیط زیست داده و اخلاق محیط زیستی را بیان کرده است. طبق آیات قرآن، خداوند به انسان قدرت و امکانات لازم را داده و او را مکلف به عمران و آبادانی زمین کرده است. در این باره در سوره هود می خوانیم: «او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و عمران و آبادانی اش را به شما وا گذاشت» (هود، ۶۱). قرآن می گوید خداوند زمین را به شما تفویض کرده که این امر حاکی از آن است که وسایل و امکانات از هر نظر آماده است، اما انسان باید با کار و کوشش خود، زمین را آباد کند.

تضعیف ایمان و باورهای دینی انسان امروزی به همراه کنار گذاشتن آموزه های اخلاقی و داشتن امیال و آرزوهای مطلق و نامحدود باعث پیدایش جنگ ها و نبردها، زیاده خواهی، تجاوز از حق و حقوق خود، ایجاد تبعیض و تقسیم انسان ها به چند دستگی، رواج دروغ، اضطراب و پرخاشگری و در نتیجه تخریب محیط زیست شده و این در حالی است که طبق آیه قرآن کریم تا درون انسان ها تحول پیدا نکند، برون و زیستگاه آنها نیز دگرگون نخواهد شد (رعد، ۱۱).

بنابراین پرواضح است که انسان امروزی می بایست در شیوه برخوردش با محیط زیست بازنگری کند و در این راه می تواند از آموزه های وحیانی استمداد کند. بهبود وضعیت محیط زیست زمانی محقق خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان ها با هم در ارتباط باشند که لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق محیط زیست است؛ به طوری که در این اخلاق برای حل مسائل و مشکلات ناشی از بحران محیط زیست، چاره جویی شده و در قالب قوانین و آموزه هایی در بین تمامی اقشار جوامع بشری مطرح شده است.

اهمیت شناخت و درک اخلاق محیط زیست تا آنجاست که اکثر اندیشمندان و متخصصان حوزه محیط زیست، حفاظت از آن را یک امر مهم اخلاقی می دانند. به طور مثال «سوروکین» جامعه شناس و فیلسوف مشهور غرب در باب نیاز جامعه جهانی به اخلاق محیط زیست، معتقد است با وجود توسعه وسایل فنی، صنعتی و تکنیکی، ما امروزه بیش از گذشته، احساس فقر اخلاقی و انسانی می کنیم. پس

رویکرد کنونی تدوین اخلاق محیط زیست برخاسته از نیاز انسان به آن است. آن چیزی که باعث اهمیت بی‌نظیر و نقش سازنده آموزه‌های اخلاق محیط زیست شده، این است که نظریات و اقداماتی که فاقد ارزش‌های اخلاقی و معنوی بوده‌اند، تاکنون در شکل‌گیری و ساخت آینده‌ای مطمئن، پایدار و امیدبخش به موفقیت چندانی دست نیافته‌اند. بنابراین اخلاق محیط زیست همراه با چارچوب تعریف‌شده‌اش، حاوی یک‌سری مبانی نظری و تئوری است که برای انجام آنها باید به آن آگاهی یافت و سپس بر اساس آن مبانی نظری، اقدام عملی و تجربی برای حل بحران محیط زیست و جلوگیری از تکرار آن و بازگرداندن آرامش و امنیت به حیات طبیعت به عمل آورد.

نتیجه‌گیری: نقد و بررسی اخلاق محیط زیست

حال سؤال اساسی این است که چرا اخلاق محیط زیست در حل بحران محیط زیست موفقیت چندانی نداشته است؟

همان‌طور که قبل‌تر بیان شد، هم از منظر دینی و شرعی و هم از منظر قانونی و خاصه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست وظیفه است؛ پس گام اول در انجام این وظیفه و موفقیت در آن، تبیین دقیق و تدوین راهکارهای اجرایی آن است، به‌طوری که اخلاق محیط زیست در قالب یک سازوکار مدون و به‌عنوان یک منبع آموزشی و تربیتی از اولین و پایین‌ترین سطوح آموزشی یعنی مهدکودک و مدارس ابتدایی تا مراکز آموزش عالی، خانواده، ادارات و سازمان‌ها نصب‌العین قرار گرفته و ضمن آموزش آن و آگاهی از خطرات بی‌توجهی به آن، به‌طور دقیق و کامل اجرا شود. ضمن آنکه ضمانت اجرایی لازم برای اجرای حداکثری آن نیز در نظر قرار گیرد تا از قالب قانون صرف خارج شده و عملیاتی شود.

با بررسی ایرادات و اشکالات اخلاق محیط زیست در کنار شناخت چارچوب و آموزه‌های آن، نتیجه آن است که اخلاق محیط زیست قادر به حل بحران محیط زیست نبوده؛ چراکه علی‌رغم انسان‌محورانه بودن آن، نقش و جایگاه و وظایف و مسئولیت‌های انسان در آن به‌طور دقیق تبیین نشده است. بنابراین اخلاق زیست‌محیطی ناگزیر وارد الهیات و فلسفه و حکمت محیط زیست می‌شود؛ زیرا اگر بخواهیم نظریه اخلاقی داشته باشیم که حق محیط زیست، حق طبیعت و حق حیوانات را رعایت کند، باید رویکردمان را تغییر دهیم و به سمتی برویم که در آن

جایگاه هر انسانی و سایر موجودات مشخص و تعیین شده باشد. ضمن آنکه شرح وظایف و مسئولیت‌های همه موجودات علی‌الخصوص انسان به روشنی بیان شده باشد. در نتیجه می‌بایست اخلاق را در الهیات و فلسفه و حکمت محیط زیست جست‌وجو کرد؛ چراکه الگویی که از انسان امروزی در جهان مطرح شده، مغایر با انسان گذشته است.

به‌طورکلی درباره انسان دو تعبیر وجود دارد: الف. انسان خردمند و ب. انسان سازنده.

انسان دوره مدرن هر دو ویژگی را دارد؛ چراکه انسانی است که می‌اندیشد تا چگونگی از طبیعت استفاده کند، نه اینکه در آثار خداوند بیندیشد و این در حالی است که انسان سازنده‌ای هم هست؛ یعنی انسانی تولیدگر است.

اما انسان گذشته یا بعبارت دیگر انسان سنتی که دکتر نصر به خوبی آن را تبیین کرده، به عنوان پاپی بوده (پاپ به معنای واسطه و پل است). انسان سنتی خودش را خلیفه خدا می‌داند که نقش و وظیفه‌اش حفاظت و نگهداری از طبیعت است و در مقابلش انسان مدرن امروزی است که عاصی است و خودش را مستقل می‌داند و پرواضح است که در استفاده از طبیعت، خودش را مقید به چیزی نمی‌داند.

بنابراین قدم اساسی در نقد اخلاق محیط زیست، تغییر رویکرد آن و تغییر الگوها و دیدگاه‌های انسان‌محورانه آن بر اساس الهیات و حکمت محیط زیست است.

پی‌نوشت:

۱. این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «آموزه‌های فلسفه اشراق در تحلیل مبانی عقلی محیط زیست با تکیه بر آرای سیدحسین نصر» است.

۲. بحران محیط زیست یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های انسان امروزی است که برای حل آن، راهکارهای فراوانی ارائه شده که اخلاق محیط زیست یکی از این راه‌حل‌هاست.

۳. اخلاق محیط زیست در کنار سایر راه‌حل‌های ارائه‌شده با چالش‌هایی روبه‌رو

است و انتقادهایی بر آن وارد است که در این نوشتار به بخش‌هایی از آن اشاره شد.

۴. نیاز اساسی دوران مدرنیته تعریف اخلاق محیط زیست بر اساس الهیات و حکمت محیط زیست است تا بتواند ضمن غلبه بر بحران خودساخته محیط زیست، بر این بحران غلبه کرده و آرامش و امنیت را به طبیعت بازگرداند.

۵. بنابراین تحقیق، مطالعه و پژوهش در زمینه اخلاق محیط زیست و الهیات و حکمت محیط زیست و یافتن راه‌حل‌هایی جهت ارتباط با هم نیاز اساسی انسان امروز است.

فهرست منابع

۱. بحران علم مدرن (۱۳۸۵)، جمع‌بندی و چکیده مباحث کنفرانس بین‌المللی بحران علم مدرن، برگزارکنندگان شبکه جهانی سوم و جامعه مصرف‌کنندگان پنانگ، ترجمه مجتبی عزیزی، تهران: کتاب صبح.
۲. حسینی، سیدحسین (۱۳۸۷)، سنت، غرب و غربت، نقد و نقی بر کتاب در جست‌وجوی امر قدسی، مجله علمی تخصصی پژوهش‌های اسلامی، سال اول، شماره ۲.
۳. رحمتی، انشاءالله (۱۳۸۵)، دین و بحران زیست‌محیطی، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۷۰۷.
۴. سیری در سپهر جان (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات و مقولاتی در معنویت، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران، نگاه معاصر.
۵. گنون، رنه (۱۳۸۷)، بحران دنیای متجدد، ترجمه حسن عزیزی، تهران، حکمت.

۶. **مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)**، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، اردیبهشت.
۷. نصر، سیدحسین (۱۳۵۲)، **علم و تمدن در اسلام**، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر اندیشه.
۸. نصر، سیدحسین (۱۳۵۴)، **ایران و سرنوشت فلسفه اسلامی، جاویدان خرد**، شماره اول، سال اول.
۹. نصر، سیدحسین (۲۵۳۶)، **هنری کرین؛ زندگی و آثار غریب غرب در طلب نور شرق، جاویدان خرد**، شماره اول، سال.
۱۰. نصر، سیدحسین (۱۳۵۹)، **نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت**، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۱۱. نصر، سیدحسین (۱۳۷۶)، **جوان مسلمان و دنیای متجدد**، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو.
۱۲. نصر، سیدحسین (۱۳۷۷)، **انسان و طبیعت؛ بحران معنوی انسان متجدد**، ترجمه احمدرضا جلیلی، **نقد و نظر**، سال چهارم، شماره سوم و چهارم.
۱۳. نصر، سیدحسین (۱۳۷۷)، **جهان بینی اسلامی و علم جدید**، ترجمه ضیاء تاج‌الدین، **نامه فرهنگ**، سال هشتم، شماره دوم.
۱۴. نصر، سیدحسین (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، **دین و بحران زیست‌محیطی**، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، **نقد و نظر**، سال پنجم، شماره اول و دوم.
۱۵. نصر، سیدحسین (۱۳۷۸)، **معنویت و علم؛ همگرایی یا واگرایی؟** ترجمه فروزان راسخی، **نقد و نظر**، سال پنجم، شماره سوم و چهارم.

۱۶. نصر، سیدحسین (۱۳۷۹)، **نیاز به علم مقدس**، ترجمه حسن میان‌داری، قم، مؤسسه فرهنگی طه، چاپ اول.
۱۷. نصر، سیدحسین (۱۳۷۹)، **اسلام سنتی**، ترجمه نورالله قیصری، **پژوهشنامه متین**، سال دوم، شماره هشتم.
۱۸. نصر، سیدحسین (۱۳۸۲)، **آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام**، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، جامی.
۱۹. نصر، سیدحسین (۱۳۸۲)، **موقعیت فلسفه اسلامی در عصر حاضر**، گفت‌وگو با پروفیسور سیدحسین نصر توسط سلمان صفوی و سجاد رضوی، تهران، سلمان آزاده.
۲۰. نصر، سیدحسین (۱۳۸۲)، **روابط میان ادیان در سایه بحران‌های پیرامونی، پاور**، دوره جدید، شماره پنجم، ۱۸ خرداد.
۲۱. نصر، سیدحسین (۱۳۸۲)، **جاودان خرد؛ مجموعه مقالات دکتر سیدحسین نصر**، به اهتمام سیدحسن حسینی، تهران، انتشارات سروش.
۲۲. نصر، سیدحسین (۱۳۸۲)، **قلب اسلام**، انتشارات حقیقت.
۲۳. نصر، سیدحسین (۱۳۸۴)، **انسان و طبیعت، بحران معنوی انسان متجدد**، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. نصر، سیدحسین (۱۳۸۵)، **دین و نظام طبیعت**، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نشر نی.
۲۵. نصر، سیدحسین (۱۳۸۸)، **معرفت و معنویت**، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۲۶. نصر، سیدحسین (۱۳۸۹)، **معارف اسلامی در جهان معاصر**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۷. نصر، سیدحسین (۱۳۹۱)، اسلام علم مسلمانان و تکنولوژی، گفت‌وگو با مظفر اقبال، ترجمه حسین کریمی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

